

# بسم الله الرحمن الرحيم

## جزوه اندیشه اسلام ۲

(بر اساس سرفصل های بحث نبوت و امامت)

دانشگاه آزاد اسلامی / واحد یادگار امام

ترم اول / ۹۴-۹۵

بختیاروند

این جزوه تنها برای آشنایی با خلاصه مباحث و سرفصل های درس مذکور تهیه شده است و نمی تواند منبع یا اثر علمی محسوب شود.

## فهرست

۳	بخش اول: نبوت .....
۳	درس اول: اهمیت دین پژوهی و معرفت خداوند .....
۳	درس دوم: کمال جوئی انسان و اهمیت مبانی فکری او .....
۷	درس سوم: نقش دین و آموزه های دینی در زندگی بشر .....
۹	درس چهارم: بررسی علل دین گریزی و انحراف از ایمان به خداوند .....
۱۱	درس پنجم: تعریف دین .....
۱۲	درس ششم: پیامبری، فواید پیامبران .....
۱۴	درس هفتم: عصمت پیامبران .....
۱۶	درس هشتم: قرآن شناسی و عدم تحریف قرآن .....
۱۶	برخی خصوصیات قرآن .....
۱۶	دلایل عدم تحریف قرآن .....
۱۸	برخی ابعاد اعجاز قرآن کریم .....
۲۰	بخش دوم: امامت .....
۲۰	درس نهم: امام شناسی .....
۲۲	درس دهم: فضائل امام علی علیه السلام .....
۲۲	آیاتی دلالت کننده بر فضیلت و برتری امام علی علیه السلام .....
۲۵	درس یازدهم: استدلال بر امامت و ولایت امام علی علیه السلام .....
۲۵	سه آیه درباره ولایت و امامت امام علی (علیه السلام) .....
۲۵	اولین آیه: آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت) .....
۲۷	دومین آیه: آیه ۶۷ سوره مائده (آیه تبلیغ) .....
۲۹	سومین آیه: آیه ۳ سوره مائده (آیه اکمال دین) .....
۳۰	سه روایت در استدلال بر امامت و ولایت امام علی (علیه السلام) .....
۳۲	درس دوازدهم: امام مهدی علیه السلام .....
۳۵	سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور .....

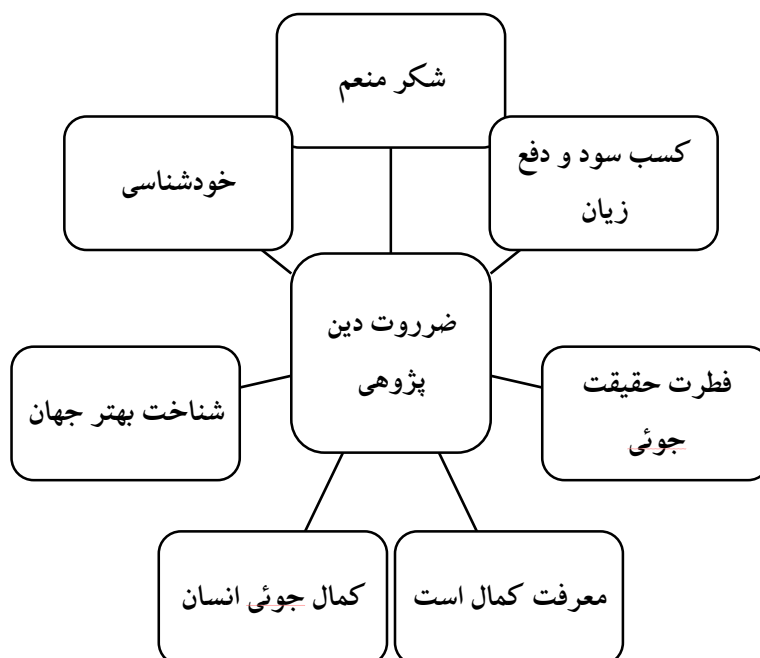
## بفش اول: نبوت

### درس اول: اهمیت دین پژوهی و معرفت فداوند

اهداف فراگیری این درس:

۱. آگاهی از ارتباط باورها و اعتقادات با رفتار بیرونی.
۲. پی بردن به اهمیت دین پژوهی و خداشناسی

دین پژوهی و «خداشناسی» چه ضرورتی دارد؟



### درس دوم: کمال جوئی انسان و اهمیت مبانی فکری او

اهداف فراگیری این درس:

۱. آشنائی با معنای کمال جوئی انسان.
۲. باور به تأثیر آرمان خواهی به عنوان اولین نقطه پرواز.
۳. باور به اینکه هیچ مقصودی بدون حرکت بدست نمی آید.
۴. حرکت بدون معرفت، رونده را به بیراهه کشانده و از مقصد دور می کند.
۵. رسیدن به کمال و سعادت، ریشه در باورها دارد.
۶. باور دینی، نقش مهمی در ارائه و تشخیص اعتقادات درست دارد.
۷. آشنائی بر برخی مبانی فکری انسان و تأثیر آنها در رفتار بشر

اهمیت مبانی فکری و معرفتی انسان ها

## ۴ قانون

مهم

- هر انسانی کمال جو است.
- رسیدن به کمال در گرو رفتار انسان است.
- رفتار و گفتار انسان برآمده از دستورات عقلی اوست.
- احکام عقلی مبتنی بر مبانی شناختی و معرفتی انسان است.



**نظرات مختلف در مورد انسان**

دیدگاه افراطی

- انسان بر خداوند نیز برتر است.

دیدگاه تفریطی

- انسان برای شهوترانی و شکم خوارگی آفریده شده است.

دیدگاه متعادل

- انسان از دو بخش مادی و ملکوتی تشکیل شده است.

**این دو را مقایسه کنید**

انسان گمراه است.  
«داستان گلادیاتورها ...»

بنی آدم اعضاء یکدیگرند ....  
«لقد کرمتنا بنی آدم ...»

### نظرات مختلف در مورد انسان

#### توضیح دیدگاه افراطی

پیروی از این دیدگاه باعث دور ماندن از دستورات الهی و گم شدن اخلاق و معنویت در زندگی انسان می شود. انسان هائی که در این مکتب تربیت می شوند، هر چند ممکن است به پیشرفت هائی از نظر علم و تکنولوژی برسند، اما با توجه به نادیده گرفته شدن برخی از ابعاد روحی بشر مانند پرستش خداوند و در مقابل بزرگنمائی بعد علمی، انسانی کاریکاتوری ساخته می شوند که در دراز مدت دچار بحران پوچ گرائی و افسردگی و خستگی از زندگی ماشینی خواهند شد.

#### توضیح دیدگاه تفریطی

در این دیدگاه زندگی انسان در لذت های مادی و شهوانی سپری می شود. در این نگاه می توان به افکار امثال فروید و یا هابز اشاره کرد. هابز انسان را گرگ انسان می دانست. «اگر تو پاره نکنی، دیگران تو را پاره می کنند».

فروید، منشأ همه بداخلاقی ها و خشونت ها را عقده های جنسی می دانست.

تفریط گرایان باعث جنگ های فراوان در تاریخ بشر و از بین رفتن خانواده در جهان شدند.

کتاب جنگ علیه خانواده دکتر ویلیام گاردنر.

جوان معاصر در تفکر غرب ....

«جوانی که از بی هدفی دائمی در رنج بوده است، اینک با معتاد شدن از ساختاری برخوردار گردیده است. ذهن او دائماً مشغول است به اینکه چگونه از دست پلیس ها فرار کند، از کجا مواد تهیه کند و از چه کسی؟ همه اینها برعکس جهان خالی و بدون ساختار قبلی، مشغله ای برای او ایجاد می کند که همه خلأ زندگی اش را پر می کند» (تافلر، موج سوم، ص ۵۱۶).

توضیح دیدگاه متعادل

انسان از دو بعد تشکیل شده است

۱. بعد مادی و جسمانی

۲. بعد روحانی و ملکوتی

انسان علاوه بر میل به لذات جسمانی، دارای امیال ملکوتی و روحانی نیز می باشد. امیالی مانند:

حس پرستش، کمال خواهی، علم جوئی ....

نظرات در مورد هستی و خلقت جهان



تأثیر باورهای انسان بر شغل و حرفه



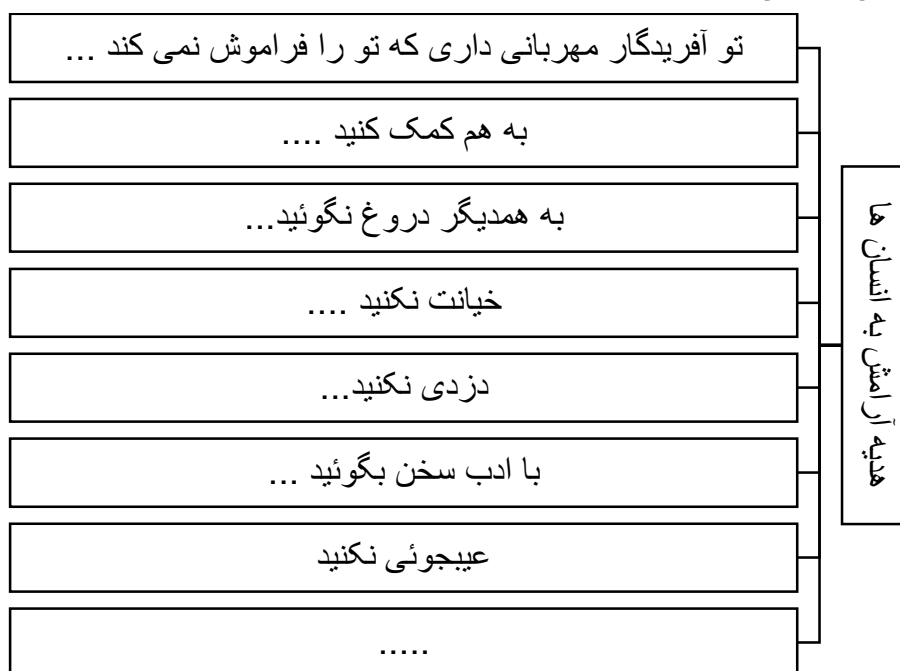
## درس سوم: نقش دین و آموزه های دینی در زندگی بشر

اهداف فراگیری این درس:

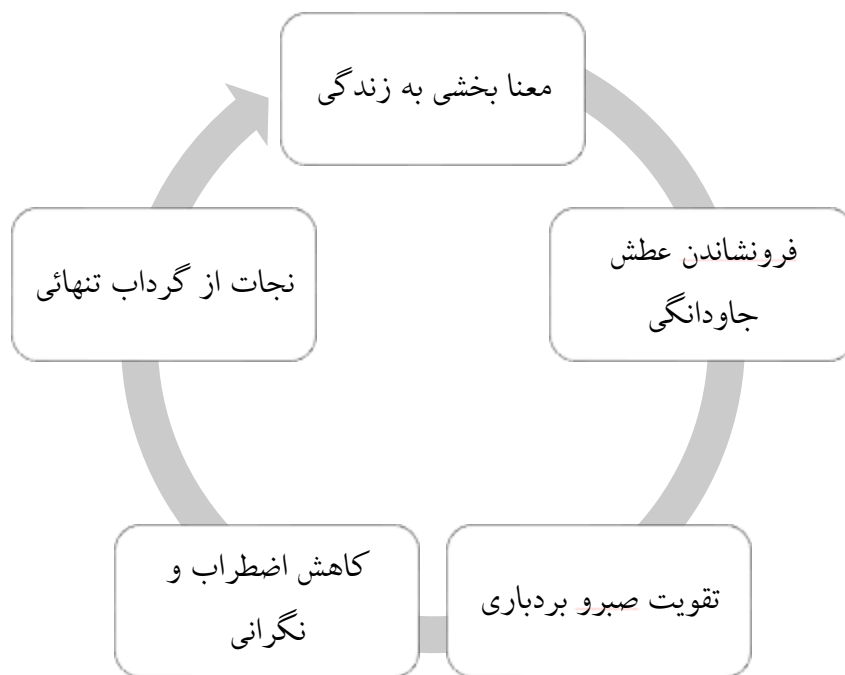
مهم ترین کارکرد دین در زندگی انسان ها.



مهم ترین هدیه دین به انسان ها.



آشنائی با برخی کارکردهای فردی دین.



آشنائی با برخی کارکردهای اجتماعی دین.





### آیت الله جوادی آملی

علم سکولار نیست، عالم و دانشمند است که سکولار می شود... علم یا بررسی «قول الله» است و یا بررسی «فعل الله» که هر دو مخلوق خداوند هستند. پس هر دو دینی هستند. نگاه به جهان به عنوان خلقت، مسئولیت آور است. (کتاب عقل در هندسه معرفت دینی)

سکولار: کسی که دین را امری شخصی و جدای از شئون اجتماعی زندگی بشر می داند.

### برای مطالعه

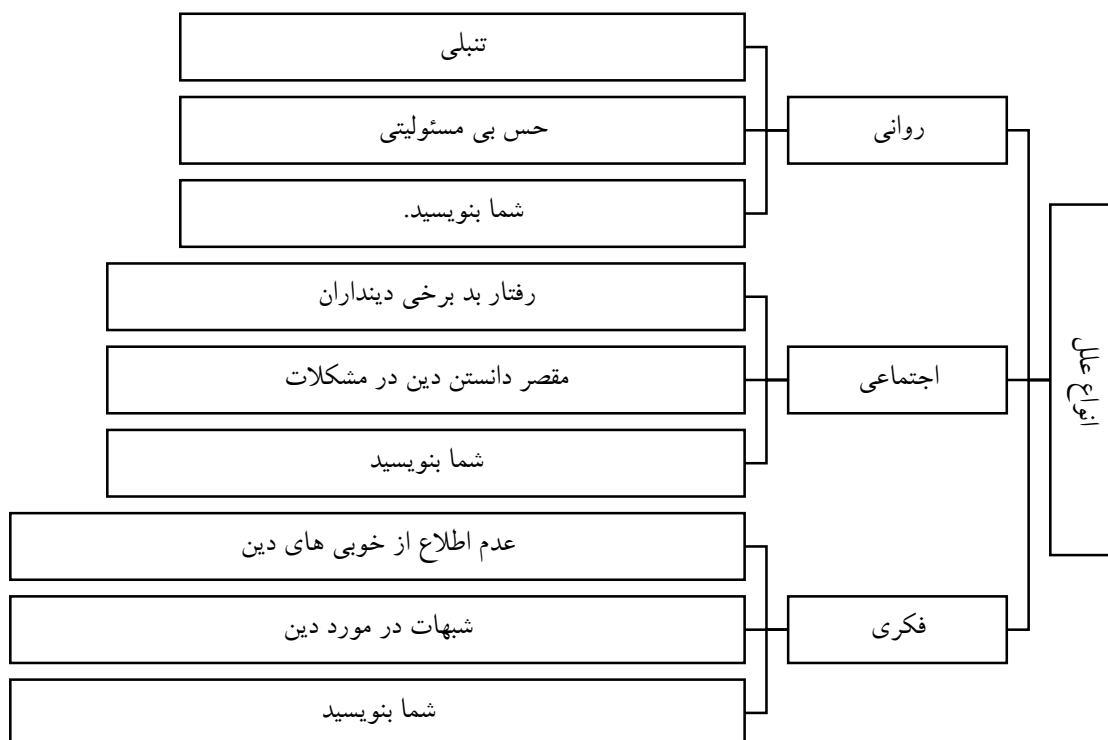
اسلامی شدن دانشگاه در پرتو متون اسلامی  
برای اسلامی شدن دانشگاه باید متون درسی اسلامی شود؛ یعنی نظام فاعلی و غایی اشیا مورد توجه واقع شود، به جای سخن از طبیعت از خلقت الهی بحث شود. هم‌اکنون طبیعت به جای خدا نشانده شده و به جای آنکه گفته شود سیر موجودات در خلقت الهی از کجا شروع و به چه می‌انجامد، گفته می‌شود طبیعت چنین کرد و چنان اقتضایی دارد. هنگامی که سخن از خلقت باشد توجه به خالق مدبّر آنها نیز خواهد شد و به دنبال آن مسئولیت انسان نیز مطرح می‌شود، ولی اگر از طبیعت سخن به میان آید، هیچ مسئولیتی برای انسان ثابت نمی‌شود. (آیت الله جوادی آملی)

تحقیق: نقش برخی آموزه های دینی در زندگی بشر را بررسی کنید.

## درس چهارم : بررسی علل دین گریزی و انحراف از ایمان به خداوند

اهداف فراگیری این درس:

- تأثیر عوامل روانی در انحراف از دین و ایمان گریزی.
- تأثیر عوامل اجتماعی در کنار نهادن دینداری.
- تأثیر عوامل فکری در بی اعتمادی به سخنان دین.
- آشنائی با راه درمان این آسیب ها.
- بررسی راه کارهای جذب جوانان به سمت دین.



راه مبارزه با انحراف و درمان آن

با توجه به تنوع و گونه گونی علل و عوامل انحراف، روشن می شود که مبارزه و برخورد با هر یک از آنها شیوه خاص و محل و شرایط ویژه ای را می طلبد. مثلاً علل روانی و اخلاقی را باید بوسیله تربیت صحیح و توجه دادن به ضررهایی که بر آنها مترتب می شود علاج کرد چنانکه در درس دوم و سوم، ضرورت پی جویی دین و ضرر بی تفاوتی نسبت به آن را بیان کردیم.

همچنین برای جلوگیری از تأثیر سوء عوامل اجتماعی - علاوه بر جلوگیری عملی از بروز چنین عواملی می بایست فرق بین نادرستی دین با نادرستی رفتار دینداران را روشن ساخت. ولی بهر حال، توجه به تأثیر عوامل روانی و اجتماعی، دست کم این فایده را دارد که شخص، کمتر به صورت ناخودآگاه، تحت تأثیر آنها واقع شود.

نیز برای جلوگیری از تأثیرات سوء عوامل فکری باید شیوه های متناسبی را اتخاذ کرد و از جمله، عقاید خرافی را از عقاید صحیح، تفکیک کرد، و از بکار گرفتن استدلالات ضعیف و غیرمنطقی برای اثبات عقاید دینی، اجتناب ورزید و نیز باید روشن کرد که ضعف دلیل، نشانه نادرستی مدعا نیست و...

برای مطالعه و تفکر

در علل فرار از ایمان می توان به تبلیغات گسترده دشمنان دین، و نیز پروژه تحریف ادیان الهی تا اختراع ادیان و فرقه های نوظهور اشاره کرد.

در این زمینه بیشتر مطالعه کنید.

## درس پنجم: تعریف دین

### نمونه هایی از تعریف دین

- الف) در برگیرنده مکاتب الهی و الحادی
- ب) محدود به مکاتب معتقد به موجودات فرابشری
- ج) در برگیرنده مکاتب خدا محور
- د) منحصر به مکاتب توحیدی

### دین در روایات

پیشوایان دین اسلام، دین را به ارکان و ویژگی هایش از جمله ایمان، تعین، قلبی بودن، معرفت داشتن، دوستی ورزیدن، اخلاق حسن، نور، عزت، طلب علم، مایه ی حیات و مانند این ها تفسیر نموده اند. به پاره ای از روایات توجه فرمایید:

### قال علی(علیه السلام):

- انّ افضل الدّین الحُبّ فی الله و البُغضُ فی الله؛
- أوّل الدّین معرفته و کمال معرفته التّصدیق به و کمال التّصدیق به توحیده؛

- اصل الدّین اداء الامانة والوفاء بالعهود؛

قال الرسول(صلی الله علیه وآله وسلم):

- الخلق الحسن نصف الدین؛

قال الباقر(علیه السلام):

- الدّین هو الحُبّ و الحُبّ هو الدّین؛

و عن الصادق(علیه السلام):

هل الدّین الا الحُبّ.

تعاریف متکلمان اسلامی از دین

متکلمان اسلامی با توجه به تعاریف لغوی، قرآنی و حدیثی، به تعاریف اصطلاحی دین، اقدام نموده اند؛ برای نمونه:

۱) با توجه به استعمال واژه ی دین در قرآن به معنای جزاء شریعت و قانون، اطاعت و بندگی، به دست می آید که اسلام و حقیقت دین عبارت است از تسلیم و اطاعت از خداوند متعال.

۲ - **تعریف استاد « محمد تقی مصباح یزدی »:** « دین برابر است با اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید ».

۳) **تعریف « علامه محمد حسین طباطبایی(ره) »:** « دین، نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که مقصود از اعتقاد، در این مورد، تنها علم نظری نیست؛ زیرا علم نظری به تنهایی، مستلزم عمل نیست؛ بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است ».

۴) باز ایشان در جایی دیگر این گونه تعریف می کنند: « مجموع این اعتقاد (به خدا و زندگی جاودان) و احساس و مقررات متناسب با آن که در مسیر زندگی مورد عمل قرار گیرد ».

۵) **تعریف استاد «جعفر سبحانی»:** « دین يك معرفت و نهضت همه جانبه به سوی تکامل است که چهار بُعد دارد: اصلاح فکر و عقیده، پرورش اصول عالی اخلاق انسانی، حُسن روابط افراد اجتماع، حذف هر گونه تبعیض های ناروا ».

۶) **تعریف « آیت الله جوادی آملی »:** « معنای اصطلاحی آن دین مجموعه ی عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره ی امور جامعه ی انسانی و پرورش انسان ها باشد. گاهی همه ی این مجموعه، حق و گاهی همه ی آن ها باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه حق باشد، آن را دین حق و در غیر این صورت، آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می نامند... دین حق، دینی است که عقاید، قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده و دین باطل دینی است که از ناحیه ی غیر خداوند تنظیم و مقرر شده است ».

### تعاریف عالمان علوم انسانی از دین<sup>۱</sup>

• تعاریف علوم اجتماعی که از تحلیل ساختارها و نهادهای دینی گرفته شده اند، به شرح ذیل اند:

۱) تعریف « دور کیم »: دین دستگاهی از باورها و آداب است، در رابطه با مقدساتی که مردم را به صورت گروه های اجتماعی به یک دیگر پیوند می دهد ».

« دین، نظام وحدت یافته ای است از اعتقادات و اعمال مربوط به اشیای مقدس - یعنی اشیایی که مجزا شده و تحریم گردیده اند - اعتقادات و اعمالی که همه ی گروندگان را در جمعیت اخلاقی واحدی که معبد نامیده می شود، وحدت می بخشد ».

۲) تعریف « فویر باخ »: « مذهب عبارت است از نوعی از خود بیگانگی. بنا بر این گسترش شناخت انسان و بازگشت به انسان، جبراً باعث منتفی شدن مذهب می گردد ».

۳) تعریف دایرة المعارف دین: « دین عبارت است از سازمان یابی حیات بر محور ابعاد عمقی تجربه که بر طبق فرهنگ محیط، از نظر صورت، کمال و روشنی فرق می کند ».

۴) تعریف « ماکس وبر »: « هر مجموعه ی مفروضی از پاسخ های محکم و منسجم به معماهای هستی بشر مانند تولد، ناخوشی یا مرگ که معنایی برای جهان و زندگی به وجود می آورد ».

۵) تعریف « اسپنسر »: « دین وسیله ای برای توضیح راز جهان و تبیین پدیده های دینی بر اساس حالات روانی، لغزش های فکری و تحول زندگی اجتماعی ».

« دین اعتقاد به حضور چیزی مطلق و یا حضور مطلق چیزی که تفحص ناپذیر است و به تعبیر دیگر، غوطه وری در دریای اسرار است ».

۶) تعریف « ماکس مولر »: « دین کوششی است برای درک آن چه درک نشدنی است و بیان آن چه غیر قابل تقدیر است ».

## درس نهم: پیامبری، فواید پیامبران

### ضرورت نبوت:

در این بحث سوال پیش می آید که با وجود عقل و علوم بشری به پیامبران الهی نیاز می باشد؟ آیا عقل و دانش می تواند انسان را به سعادت برساند؟ متکلمان اسلامی بر این باورند که انسانها همواره به تعالیم پیامبران نیاز دارند و براین اساس دلایلی را بر شمرده اند.

۱. خداوند کار لغو و بیهوده ای انجام نمی دهد.

<sup>۱</sup> خسروپناه، کلام جدید.

۲. هدف از آفرینش هر موجودی آن است که به کمال مطلوب برسد.
۳. زندگی انسان محدود به زندگی دنیایی نیست بلکه پس از زندگی دنیوی وارد زندگی دیگری می شوند که در نتیجه زندگی دنیوی می باشد .
۴. این آگاهی شایسته از عهده منابع شناخت آدمی یعنی عقل و حس و علوم بشری بر نمی آید .
۵. عقل بدی ظلم و خوبی عدالت را درک می کند و وقتی می خواهد مصادیق آن را تعیین کند دچار مشقت و سختی می شود .

**بنابر این حس و عقل و دانش به تنهایی نمی تواند را سعادت را بشناسد . پس نیازمند شناخت معصومانه دیگری هستیم که راه درست را نشانمان دهد .**

خداوند ، حکم پیامبران را به منظور هدایت انسان ها به سوی سعادت و کمال ارسال نمود .  
كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ  
مردم ، امتی یگانه بودند ، پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت ، و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند .

**اهداف بعثت انبیاء :** مهم ترین هدف انبیاء نشان دادن راه هدایت و تکامل به انسان هاست .

۱- یاد آوری فطریات : خیلی از مسائل را انسان می داند اما بر اثر اهتمام به مادیات و یا بر اثر تبلیغ سوء شاید مورد غفلت و فراموشی واقع گردد . لذا با یادآوری آنها فطرت خفته انسانها بیدار می گردد و در جهت هدایت انسانها موثر است .  
خداوند در آیاتی قرآن را یادآوری و پیامبر مذكر ( یادآوری کننده ) معرفی می کند . فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ، پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای .

۲- آزاد کردن انسان از قید بندهای نادرست سنت ها و ارزش های ناروا و پوشالی است . پیامبران آمده اند تا با این سنت های غلط که مانع رشد و تعالی انسانها می گردد مقابله کنند .

۳- دعوت به توحید : مهم ترین هدف انبیاء زدودن شرک و دعوت به توحید نظری و عملی در تمامی ابعاد است .

۴- بر پایی قسط و عدالت در جامعه بشری از جلوه های تمدن گسترش عدالت در همه ابعاد فردی و اجتماعی است و آیه مربوطه : لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ .

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرو آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند .  
۵- آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ .

از خداوند پروا کنید و فرمانم ببرید ، فرمان افراط گران را پیرونی مکنید ، آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند .

پیامبران مردم را با تعالیم و آیات الهی آشنا سازند .

۶- بشارت و انذار : از ابزارهای پیامبران برای هدایت تبشیر ( مژده دادن به پاداش و انذار بیم از عذاب می باشد ) ممکن بود برخی بگویند که خدا اگر پیامبرانی می فرستاد و ما را تبشیر و تنذیر می کرد ما هرگز گمراه نمی شدیم .

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا .

پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند تا برای مردم پس از فرستادن پیامبران ، در مقابل خدا حجتی نباشد ، و خدا توانا و حکیم است .

۷- علاج امراض روحی: پیامبران آمده اند تا بیماری های روحی انسانها را مداوا کنند به همین دلیل خدا قرآن را شفا بخش نامید .

۸- به کمال رساندن فضایل اخلاقی : مثل احسان به پدر و مادر - نکشتن فرزندان به دلیل تنگدستی - حفظ اموال یتیمان - پرهیز از کم کاری و کم فروشی - بر پایی حق ، هدالت و تقوا - راستگویی و .... پیامبر فرمود : انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق : من برای تکمیل کرامت های اخلاقی مبعوث شوم .

### اهداف و فوائد نبوت در کلام آیت الله جوادی



### درس هفتم: عصمت پیامبران

فرزندان، آنگونه که ما می فوایم نمی شوند بلکه آن طوری که ما هستیم می شوند.

#### معنای عصمت

واژه عصمت - از ماده «عَصَمَ» - در لغت به معنای «منع» و «حفظ» و نگهداشتن و مانع شدن است. در اصطلاح، مصونیتی خاص یا ملکه ای نفسانی است که پیامبران را از گناه و خطا و اشتباه باز می دارد و یکی از شرایط نبوت است.

#### انواع عصمت

با توضیح یاد شده، روشن می شود که عصمت بر دو نوع است:

۱. عصمت از گناه؛ یعنی معصوم کسی است که با اختیار و قصد، مرتکب گناه نمی شود؛

۲. عصمت از خطا و اشتباه؛ یعنی معصوم، افزون بر ترك گناه، از خطا و اشتباه هم مصون باشد. مصونیت پیامبران از گناه و خطا، به طور اجمال، از سوی همه ی مسلمانان، بلکه همه صاحبان ادیان و ملل پذیرفته شده است، ولی در ویژگی های آن، آرا و نظریه های گوناگونی وجود دارد که در نوشتار حاضر، مجال بیان آن ها نیست.

شیعه معتقد است که پیامبر باید از همه ی گناهان، چه صغیره و چه کبیره، چه عمدی و چه سهوی، چه پیش از نبوت و چه پس از آن، معصوم باشد.

### درجات عصمت

برای عصمت می توان مراحل را ترسیم کرد:

- ۱- مصونیت در دریافت وحی.
  - ۲- مصونیت در تبلیغ و بیان اصول و فروع دین.
  - ۳- مصونیت از گناه، خواه به صورت فعل حرام یا ترک واجب در امور زندگی.
- (آیت الله سبحانی، کتاب منشور جاوید)

### علت و منشأ عصمت

۱. دارا بودن درجه ی بالای تقوا

۲. علم به زشتی گناهان و زیبایی انجام خوبی ها

### ادله عصمت پیامبران

نکته: این دلیل ها بر دو دسته اند:

- دلیل عقلی: یعنی دلیلی که با راهنمایی عقل بدست می آید.
- دلیل نقلی: یعنی دلیلی که با توجه به آیات قرآن و یا روایات امامان معصوم دانسته می شود.

### دلیل های عقلی عصمت پیامبران

۱. هادی دیگران، خود باید در قله هدایت و درستی باشد.
۲. خطای هادی و مربی، در باور دیگران به سخنان او خلل ایجاد می کند.
۳. خطا و لغزش در سخنان هادی، اعتماد به سخنان او را از بین می برد.

### دلیل های نقلی عصمت پیامبران

۱. آیه ۶۴ سوره نساء: (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ). ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به این منظور که به فرمان خدا از وی اطاعت شود.
۲. آیات ۳ و ۴ سوره نجم (وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)) -۳ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید. ۴- آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.
۳. سوره نساء، آیه ۸۰: مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (۸۰) کسی که از پیامبر اطاعت کند اطاعت خدا کرده و کسی که سر باز زند تو در برابر او مسئول نیستی.

توضیح: خداوند مهربان و حکیم، هیچ گاه به انسان‌ها امر نمی‌کند تا از انسان‌های خطاکار پیروی کنند، پس وقتی به ما دستور داده است از پیامبرانش اطاعت کنیم، و اطاعت آنها را در ردیف اطاعت خودش آورده است، پس حتماً پیامبران معصوم هستند.

به عبارت دیگر؛ خداوند مهربان تر از آن است که اطاعت خطاکاران را بر انسان‌ها واجب کند. پس کسی که خداوند اطاعتش را بر ما واجب نموده است، مورد عنایت الهی بوده و از خطا و اشتباه به دور است.

۱. پیامبر، گناه نمی‌کند. ۲. پیامبر، نزدیک گناه نمی‌شود که برخی از مبادی و مقدمات آن را فراهم کند. ۳. پیامبر، گرایش قلبی به گناه ندارد. ۴. پیامبر در فضای روح و صحنه‌ی دل، نزدیک گرایش قلبی هم نمی‌رود. ۵. نزدیکی به گرایش قلبی نیز جرأت حضور در صحیفه‌ی دل پیامبر را ندارد؛ زیرا قلبی که از معرفت توحید تام، و از محبت خدای سبحان، مملو و متیم است جایی برای میل به گناه و نیز مجالی برای نزدیکی به میل به گناه و همچنین فرصتی برای هجوم میل یا نزدیکی به میل و ورود چنین مهمان ناخوانده‌ای نیست. بنابراین، عصمت پیامبران با عصمت دیگران فرق دارد. انبیا آنچه را ادراک کردند حق است، گرچه فتوای ادراکی آنان، از قبیل احساس و تخیل و توهم است و تعلقشان چونان سایر افراد می‌باشد. خداوند در تأیید این نظر می‌فرماید: "وَإِن كَلَّمْنَا الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ" (نمل/۶)؛ تو دقیقاً از روی ادراک حق و صحیح، قرآن را از خدای حکیم علیم اخذ می‌کنی. نیز می‌فرماید: اوست که فرشته‌ی امین وحی را همراه قرآن فرومی‌فرستد: "نزل به الروح الامین \* علی قلبک لتکون من المنذرين" (شعراء/۱۹۴-۱۹۳). آیت الله جوادی آملی؛ کتاب وحی و نبوت در قرآن، ص ۲۱۱

## درس هشتم: قرآن شناسی و عدم تمریف قرآن

### برخه خصوصیات قرآن

قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی است که بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده است. ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه دارد.

قرآن کریم دارای اعجازهای علمی، عددی، موضوعی فراوانی است.

این کتاب تحریف ناپذیر بوده است و برای هدایت همه انسان‌ها نازل شده است.

### دلایل عدم تحریف قرآن

تحریف در قرآن به این معناست که کلمات، آیات یا سوره‌های قرآن در طول تاریخ اسلام کم یا زیاد شده باشند. علمای بزرگ شیعه و سنی هرگونه تحریف در قرآن را رد می‌کنند.

دلیل اول:

قرآن از هنگام نزول دارای خصوصیتی؛ مانند نظم بدیع، عدم اختلاف بین آیات، اخبار غیبی و .. بوده است و همچنان آن خصوصیات را دارد و هنوز هم کسی نتوانسته حتی یک سوره مانند آن بیاورد. پس قرآن ۱۴ قرن گذشته با قرآن امروز فرقی ندارد.

دلیل دوم:



اگر دینی بخواهد آخرین دین باشد، اولاً: باید کامل باشد (بر خلاف دین های غیر خاتم که کامل نبودند) و ثانیاً: هیچ تحریف و تغییری در طول تاریخ نداشته باشد، و با فقدان هر یک از این دو ویژگی، عقل خواهد گفت این دین خاتم نیست. البته باید توجه داشت که از بارزترین امور دین که نباید تغییر و تحریف در آن راه یابد، کتاب آن دین است. پس می گوئیم قرآن کتاب اسلام است و دین اسلام هم دین خاتم، پس قرآن، کتاب دین خاتم است و از آن روی که کتاب دین خاتم باید مصون از تغییر و تحریف باشد، پس نتیجتاً قرآن مصون از تحریف و تغییر است.

دلیل سوم:

قرآن کتابی است که مسلمانان همیشه در نمازها، مساجد، خانه، میدان جنگ، به هنگام روبه رو شدن با دشمنان و به عنوان استدلال بر حقانیت مکتب از آن استفاده می کردند و هیچ گاه از آن جدا نبوده اند، و با چنین حضوری، جایی برای تحریف آن وجود نخواهد داشت.

دلیل چهارم:

اگر کسی در کیفیت جمع قرآن به صورت یک مجموعه و با همین شکل فعلی در عصر خود پیامبر (ص) با دیگری اختلاف داشته باشد، در این شکی ندارد که نه کلمه ای به قرآن اضافه شده و نه کلمه ای از آن کم شده است؛ زیرا از آن زمان تا کنون مسلمانان سخت به یاد گرفتن و حفظ آن اهمیت می دادند. حافظان و قاریان و معلمان قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) آن قدر زیاد بودند که تنها درحادثه "بئر معونه" حدود ۷۰ نفر از آنان شربت شهادت نوشیدند. در زمان های بعد از پیامبر اکرم (ص) تا امروز در تمامی کشورهای اسلامی همواره عده زیادی حافظ و قاری و معلم قرآن بوده اند که با این وصف حتی احتمال تحریف آن وجود نخواهد داشت.

دلیل پنجم:

مورخان تعداد "نویسندگان وحی" در زمان پیامبر اکرم (ص) را تا چهل و سه نفر نوشته اند، در این صورت کتابی که این همه نویسنده داشته، امکان ندارد دست تحریف کنندگان به سوی آن دراز شود.

دلیل ششم:

دعوت همه پیشوایان اسلام که همه یک زبان، مردم را به تلاوت و بررسی و عمل به همین قرآن موجود دعوت می کردند، نشان می دهد که این کتاب آسمانی به صورت یک مجموعه دست نخورده در همه قرون از جمله قرون نخستین اسلام بوده است.

دلیل هفتم:

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: من بعد از خودم، دو امانت گرانها بین شما می گذارم که اگر به آنها تمسک کنید، گمراه نمی شوید. این دو از هم جدا نمی شوند تا روز قیامت بر من وارد شوند. پیامبری که مهربان و دلسوز بر امت بوده است و هیچ گاه راضی به گمراهی آنها نمی شود، امت را به چیزی که سست و بی اساس باشد و بعد او بخواهد تحریف شود، واگذار نمی کند. زیرا واگذار کردن مردم در اصل دین، به کتاب یا انسان هایی که معصوم نباشند، باعث گمراهی آنها می شود.

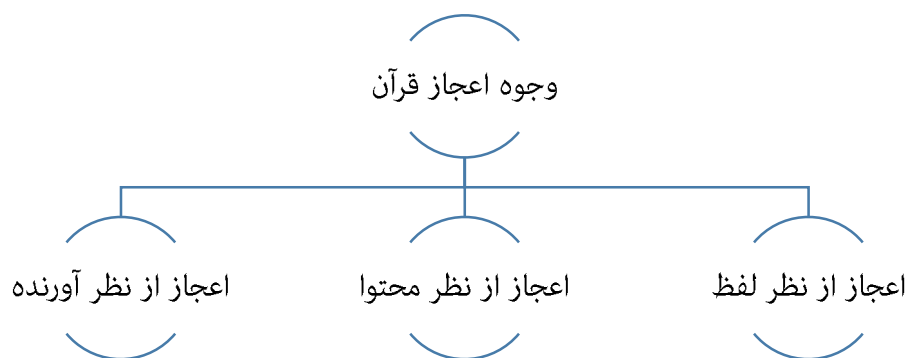
دلیلی هشتم

روایات مرتبط با سوره ها نیز می تواند مستندی برای اثبات عدم تحریف باشد. در روایات بسیار، فضایل و آثاری بر قرائت سوره ها یا ختم قرآن مترتب شده است که نسبت به صدور آنها در زمان رسول الله (ص)، فی الجمله، نمی توان تردید کرد. از معصومان نیز حدیث با مضمون یاد شده فراوان است. ابن بابویه علاوه بر تصریح بر اعتقاد شیعه به عدم تحریف و

«کذب محض» خواندن نسبت تحریف به شیعه، به این احادیث استناد کرده و نوشته است «آنچه در ثواب قرائت سوره‌های قرآن و جواز قرائت دو سوره در هر رکعت از نماز نافله و ثواب ختم تمام قرآن و نیز نهی از قرائت تمام قرآن در یک شب و عدم جواز ختم آن در کمتر از سه روز آمده است، دلیل و تصدیقی است بر آنچه که ما گفتیم». در مجموع فرض تحریف سوره‌ها و آیه‌ها، امتثال این احکام را با دشواری بلکه محال مواجه می‌سازد و مسلماً پیامبر(ص) و امامان که به این احکام امر کرده‌اند به امکان تحقق آن نیز توجه داشته‌اند.

دلیل نهم:

در روایات معصومان، گاه به صراحت و گاه به اشاره - با توجه به اینکه آنان در حل نزاع‌ها و برای پایان دادن به مشاجرات، قرآن را «فصل الخطاب» می‌دانستند و بدان ارجاع می‌دادند - مواردی را می‌توان یافت که بر آموزه سلامت قرآن از تحریف دلالت دارد. بنابه گزارشی، امام حسن علیه‌السلام در گفتگویی با معاویه، این نظر را که بخش عظیم قرآن تباه شده و از میان رفته، با جمله «به خدای سوگند این سخن کذب محض است» رد کرد. در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت در نقد و طعنی بر رویکرد مزورانه به قرآن تأکید کرد که حروف قرآن پا برجای و بی‌کاستی است و حکومت فقط حقایق و معارف قرآن را دگرسان کرده است.



### برخه ابعاد اعجاز قرآن کریم

اول: فصاحت و بلاغت :

دوم: سبک و نظم خاص قرآن:

سوم: شیرینی و جذبه خاص یا موسیقی خاص قرآن یا روحانیت قرآن :

از همان اوایل بعثت پیامبر(ص) تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود به طوری که مشرکین عرب، مردم راز گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند.

و همین مطلب امروزه گاهی، تحت عنوان «موسیقی قرآن» خوانده می‌شود که برخی از متأخران مصر و ایران به آن تمایل دارند. و می‌گویند این جنبه از قرآن معجزه است و دیگران از آوردن کلامی که چنین تأثیری داشته باشد عاجزند.

چهارم: معارف عالی الهی قرآن از یک فرد امی:

وقتی معارف قرآن در زمینه توحید و صفات خدا با دیگر کتابهای آسمانی و سخنان فلاسفه و حکما، مقایسه می‌شود متوجه می‌شویم که قرآن چیز دیگری است که عقل‌ها را متحیر می‌نماید. و دیگران از آوردن معارفی مثل آن عاجزند و این در حالی است که همه این معارف توسط یک فرد امی (بی‌سواد) بیان شده است قائل این سخن آیه الله خوئی (ره) است.

پنجم: قوانین محکم قرآن:

نظام تشریح و قانون گذاری قرآن از چنان متانت و استواری برخوردار است که هیچ کس قادر نیست مثل آن را بیاورد بلکه انسان ها هر قانونی که می گذارند پس از گذشت چندی اشکالات و سستی آن آشکار می شود و خود ناچار به تغییر آن می شوند. برای مثال قرآن به نظام عدل و وسط، برادری و علم دعوت می کند و در جایی که به آخرت می پردازد دنیا را هم فراموش نمی کند. قائل این سخن نیز آیه الله خوئی (ره) است.

ششم: برهان های عالی قرآن:

قرآن کریم وقتی سخن از توحید و معاد و نبوت می کند چنان استوار و بر اساس قوانین صحیح فکر (منطق) سخن می گوید، تو گویی پیامبر اسلام (ص) ده ها سال منطق و فلسفه خوانده است در حالی که او یک فرد امی بود. این، اعجاز قرآن را می رساند چرا که هیچ فرد امی نمی تواند اینگون سخن بگوید.

هفتم: خبرهای غیبی از گذشته و آینده:

قرآن در موارد متعددی از اقوام گذشته که اثری از آنها نبود مثل قوم لوط و عاد و ثمود و ... سخن گفته است و اکتشافات بعدی باستان شناسان این مسائل را اثبات کرده و می کند. و یا در مواردی از مسائل آینده سخن می راند مثل پیش بینی شکست ایران از روم که به وقوع پیوست. این اخبار غیبی است که بشر عادی از آوردن مثل آن عاجز است.

هشتم: اسرار خلقت در قرآن (اعجاز علمی):

یکی از ابعاد اعجاز قرآن که در چند قرن اخیر ظاهر شد و بسیاری از متخصصان علوم را به شگفتی واداشت و برخی صاحب نظران علوم قرآن بدان تصریح کرده اند همان گزاره های قرآن در مورد مسایل علمی مثل: زوجیت گیاهان و حرکت خورشید و زمین است. در حالی که انسانها تا قرن ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب علمی دسترسی نداشتند. یا به نظریه بطلمیوسی که برخلاف آنهاست، معتقد بودند.

نهم: استقامت بیان (عدم اختلاف در قرآن):

قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل شد که گاهی در شرایط جنگ، صلح، سفر و ... بود ولی با این حال اختلاف و تناقضی در بیانات قرآنی وجود ندارد. در حالی که اگر یک نویسنده در طی چند سال مشغول نوشتن باشد گاهی در ابتدا و انتها و مطالب داخل نوشته تناقضاتی به چشم می خورد.

این مطلب، اعجاز قرآن را می رساند که هیچ انسانی نمی تواند مثل قرآن اینگونه سخن گوید.

دهم: ایجاد انقلاب اجتماعی:

برخی از صاحب نظران برآنند که اعجاز قرآن کریم این است که تغییر عظیم و جدی و انقلاب بزرگی در حیات انسان به وجود آورده است که با قوانین عادی و تجربی بشر در اجتماعی و سنن تاریخی سازگار نیست.

به عنوان نمونه وضع اجتماعی اعراب جزیره العرب را مثال می زنند که قبل از اسلام با تمدن و مدنیت آشنا نبودند ولی کتابی مثل قرآن از آنجا برخاست در حالی که هر کتاب آئینه فرهنگ و علم جامعه خویش است اما قرآن کریم برخلاف قوانین طبیعی و اجتماعی بوجود آمد و توانست جامعه عرب را صاحب فرهنگ و تمدن جدیدی کند.

**تحقیق: یکی از اعجازهای علمی قرآن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهید.**

## بفش دوم: امامت

### درس نهم: امام شناسی

#### ۱. معنای امام

امام یعنی پیشوا و رهبر.

#### ۲. انواع امام

<ul style="list-style-type: none"><li>• رهبری است که به سمت خداوند و اعمال و رفتار خوب دعوت می کند.</li><li>• (۲۱) الأنبياء : ۷۳ وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ</li></ul>	امام نور
<ul style="list-style-type: none"><li>• رهبری است که به سمت گناه و معصیت دعوت می کند و سرانجام او را به شقاوت و بدبختی می کشاند.</li><li>• (۲۸) القصص : ۴۱ وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصُرُونَ</li></ul>	امام نار (آتش)

#### ۳. برخی تعبیرات قرآن در مورد امامان

سوره حج، آیه ۴۵

روایتی که در کافی، و معانی، و کمال الدین، از امام صادق، و کاظم (ع) رسیده که در تفسیر " وَ بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ " فرمودند: "بئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ" امامی است که سکوت کرده و "قَصْرِ مَشِيدٍ" امام ناطق است.

۴. وظائف امام

۱. هدایت خوبان به مراتب بالاتر ایمان

۲. دستگیری از گمراهان و هدایت آنان به سمت ایمان

۳. کمک به فقرا و درماندگان

۴. حل مشکلات اجتماعی

۵. حل مشکلات علمی دانشمندان

#### ۵. دلیل عصمت امامان

آیه اول

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (سوره بقره: آیه ۱۲۴)

افراد بر ۴ گروه تقسیم می شوند، ابتدا ظالم و بعد عادل شوند، ابتدا عادل بعد ظالم شوند، همه عمر عادل باشند و یا همه عمر ظالم باشند. قطعاً سزاوارترین فرد بر مقام امامت کسی است که هیچ زمانی ظالم نبوده است.

### آیه دوم

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (سوره احزاب، آیه ۳۳)  
خداوند متعال اراده کرده است که ناپاکی را از شما اهل بیت ببرد و شما را همیشه پاک بدارد.  
روایت شیعه و سنی اذعان دارند که پیامبر به مدت چند ماه هنگام عبور از در خانه حضرت زهرا این آیه را تلاوت می کردند که به دیگران برسانند منظور از اهل بیت در این آیه چه کسانی هستند.

### روایت برای عصمت امامان

(إِنِّي تَارِكُ فَيْكُم مَّا إِن تَمَسَّكُم بِهِ لَن تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ عَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِهِ، وَ لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا).  
پیامبر فرمودند که من در بین شما دو چیز گرانبها باقی می گذارم که اگر به آنها تمسک کنید، هرگز گمراه نمی شوید. یکی کتاب خداست و دیگری عترتم. که این دو تا قیامت از هم جدا نمی شوند.

### ۶. تعداد امامان

إِن خَلْفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حَجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنِي عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَحْيَى، وَ آخِرُهُمْ وَ لَدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَن أَحْوَكُ؟ قَالَ: عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ، قِيلَ فَمَنْ وَ لَدَكَ قَالَ: الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَ لَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بَنَ مَرْيَمَ فَيَصْلِي خَلْفَهُ، وَ تَشْرُقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ.  
پیامبر خدا فرمودند: جانشینان و حجت های الهی بعد من، دوازده نفرند که اولین آنها برادرم است و آخرین آنها فرزندم است.

گفته شد: برادر شما کیست؟ فرمودند: علی علیه السلام.

پرسیدند: فرزندتان کیست؟

فرمودند: مهدی که زمین را پر از عدل می کند وقتی پر از ظلم شده است.

قسم به خداوندی که جانم در دست اوست، اگر یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا مهدی ظهور کند. پس مسیح بن مریم هم نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند و زمین نورانی به نور پروردگار می شود و سلطنت او به همه جا می رسد.

## درس دهم: فضائل امام علی علیه السلام

### رابطه ی امام علی (علیه السلام) و حق

رَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي «السُّنَنِ الْكَبِيرِ» عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْهَرُ فِي الصَّلَاةِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

ثُمَّ إِنَّ الشَّيْخَ الْبَيْهَقِيَّ رَوَى الْجَهْرَ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، وَابْنِ عَبَّاسٍ، وَابْنِ عُمَرَ، وَابْنِ الزُّبَيْرِ، وَأَمَّا أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ يَجْهَرُ بِالتَّسْمِيَةِ فَقَدْ ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ، وَمَنْ افْتَدَى فِي دِينِهِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ اهْتَدَى، وَالذَّلِيلُ عَلَيْهِ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَ عَلِيِّ حَيْثُ دَارَ.

ترجمه:

فخر رازی در بحث بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» حمد در نماز، می گوید:

.... علی بن ابی طالب نیز «بسم الله الرحمن الرحيم» نماز را بلند می خوانده است، و هر که در دینش به علی اقتدا کند اوست که هدایت یافته است. زیرا پیامبر فرمودند: «خدایا! حقی را بر محور علی بگردان، هر جا که او باشد....».

### آیات دلالت کننده بر فضیلت و برتری امام علی علیه السلام

احادیث و کتب تفسیری اهل سنت و شیعه گواه بر آن است که آیات فراوانی از قرآن، اشاره به فضیلت اهل بیت پیامبر و مخصوصا امام علی (علیه السلام) دارد.

برخی از این فضائل در یادداشت زیر از استاد محمدحسن دوانی اشاره می شود:

مهمترین فضائل امام علی(ع) از این قرار است: شرافت خانوادگی، تنها مولود خانه خدا، پرورش در دامان پیامبر اکرم(ص) از کودکی، بت نپرستیدن، نخستین ایمان آورنده به رسول خدا(ص) و اولین نمازگزار، آرمیدن در بستر پیامبر اکرم(ص) در ليله المبيت، دامادی رسول خدا(ص) به امر خداوند، کتابت وحی، همراهی با پیامبر در همه احوال، شرکت در همه غزوات و نقش اساسی آن حضرت در پیروزی نظامی مسلمانان، محافظت از پیامبر(ص) در جریان جنگ احد، تکریم و تجلیل مکرر رسول خدا(ص) از فضائل و مکارم آن حضرت در جمع صحابه و دادن القاب افتخارآمیز به امیرمؤمنان(ع)، اعلام وصایت و خلافت ایشان در روز غدیر، کفن و دفن و نماز خواندن بر پیکر رسول خدا(ص) و .... آیات زیادی در شأن و فضیلت امیرالمؤمنین(ع) وارد شده که به موجب روایتی از ابن عباس به سیصد آیه بالغ می شود که در اینجا به اختصار فقط به چند آیه اشاره می شود:

### الف - آیه تطهیر

مراد بخشی از آیه ۳۳ سوره احزاب است: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.) به نظر بسیاری از مفسران اهل سنت و همه مفسران شیعه، منظور از اهل بیت(ع)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هستند.

### ب - آیه مباحله

منظور آیه ۶۱ سوره آل عمران است. فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ (از آن پس که به آگاهی رسیده ای، هر کس درباره او [حضرت عیسی(ع)]

با تو مجادله کند، بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما خودمان را و شما خودتان را. آنگاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.)  
عموم علمای شیعه و اکثر علمای اهل سنت بر این قول متفق هستند که مراد از اَبْنَاءَنَا، نِسَاءَنَا و اَنْفُسَنَا (فرزندانمان، زنانمان و خودمان) در این آیه به ترتیب امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت علی(ع) منطبق است که در روز مباهله پیامبر(ص) با مسیحیان نجران، همراه آن حضرت بودند.

### ج - آیه اکمال

منظور بخشی از آیه ۳ سوره مائده است: اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا (امروز برای شما دینتان را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و [با ولایت علی] خشنود شدم که اسلام دین شما باشد.) این آیه شریفه به اجماع شیعه در واقعه غدیر خم نازل شده است و عده ای از مفسران و محدثان اهل تسنن هم با علمای شیعه در شأن نزول آن، اتفاق نظر دارند. این آیه و آیه ۵۵ همین سوره(آیه ولایت) را می توان آیه هایی به شمار آورد که نشان دهنده ولایت علی بن ابیطالب(ع) هستند. هنگامی که آیه اکمال نازل شد پیامبر اکرم(ص) دست امیرالمؤمنین(ع) را گرفت و بالا برد و او را وصی (جانشین بلافصل) خود اعلام کرد.

### د - آیه ولایت

مراد، آیه ۵۵ سوره مائده است: اِنَّمَا وُلِّيَكُمُ اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهُ وَاَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاَلَّذِيْنَ يَّقِيْمُوْنَ الصَّلٰةَ وَيُوْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُوْنَ (جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.) به اعتقاد بسیاری از مفسران شیعه و سنی، این آیه که آیه زکات به خاتم نیز نامیده شده - در شأن امیرالمؤمنین(ع) نازل گردید و آن هنگامی بود که آن حضرت در رکوع نماز، انگشتر خود را در راه خدا به مسکینی بخشید.

### هـ - آیه انفاق

منظور آیه ۲۷۴ سوره بقره است. اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلٰنِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَاَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَاَلَا هُمْ يَخْزَنُوْنَ (آنان که اموال خویش را در شب و روز، در پنهان و آشکار انفاق می کنند، اجرشان نزد پروردگارشان است، نه بیمناک می شوند و نه غمگین) بسیاری از مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل تسنن، این آیه را در شأن امیرمؤمنان(ع) می دانند.

### و. آیه ليله المبيت

آیه ۲۰۷ سوره بقره است: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَاَللّٰهُ رُوْفٌ بِالْعٰبِدِ (و از میان مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خداوند می فروشد. خدا بر این بندگان مهربان است.) مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل تسنن، نزول این آیه را در شأن حضرت علی(ع) از مسلمات می دانند.  
مهمترین احادیثی نیز که از رسول اکرم(ص) در شأن و فضیلت امیرمؤمنان(ع) وارد شده بدین شرح است:

### الف - حدیث غدیر (حدیث ولایت)

مراد حدیث معروف پیامبر اکرم(ص) در روز ۱۸ ذی الحجه سال ۱۰ هجری است که در مکان غدیر خم پس از معرفی امیرالمؤمنین(ع) به جانشینی خود بیان فرمود: فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ اللّٰهُمَّ وَاَلِ مَنْ وَاَلَا وَاَعَادَ مِنْ عَادَاهُ وَاَحَبَ مِنْ اَحِبِّهِ وَاَبْغَضَ مِنْ اَبْغَضِهِ وَاَنْصَرُ مِنْ اَنْصَرِهِ وَاَخَذَ مِنْ خِذْلِهِ وَاَدْرَ الْحَقِّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ اَلَا فَلَیْبَلِغِ الشَّاهِدَ الْغَايِبَ (پس هر که را من مولی و سرپرست اویم، پس این علی نیز مولی و سرپرست است.

خدایا ولی کسی باش که ولایت او را دارد و دشمن آن کس باش که با او می ستیزد. دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار بدار هر که او را خوا بدارد و بگردان حق را با او هر جا که او می گردد. (آگاه باشید! باید هر کس در اینجا حاضر است، این سخن را به غایبان برساند.) پس از آن آیه اکمال نازل شد و سپس پیامبر(ص) فرمود: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالته و الولایه لعلی من بعدی» (از همه بزرگتر است آن خدایی که دین را کامل و نعمت را تمام فرمود و از رسالت من و ولایت علی بعد از من خشنود است.)

هیچ یک از احادیث نبوی به اهمیت حدیث غدیر نیست که یکصد و ده نفر از صحابه و هشتاد و چهار نفر از تابعین و سیصد و شصت نفر از محدثان مورد اعتماد، آنرا روایت کرده اند. از آن گذشته این حدیث به سبب موضوع جانشینی پیامبر اکرم(ص) که در جمع ده ها هزار نفر از زایران خانه خدا از سراسر سرزمینهای اسلامی آن زمان و توسط رسول خدا(ص) ایراد شد - از شأن ویژه ای برخوردار است.

### ب - حدیث ثقلین

منظور حدیث معروف پیامبر(ص) است که فرمود: انی تارک فبکم الثقلین کتاب الله و عترتی (همانا من میان شما دو چیز گرانبها را باقی می گزارم: کتاب خدا و عترت خود را) حدیث ثقلین، حدیثی است که نزد علمای همه مذاهب معتبر بوده و شیعیان آنرا از دلایل امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین(ع)، علی بن ابیطالب(ع) می شمارند و گویند اگر آنان برای اثبات خلافت آن حضرت دلیلی جز همین حدیث نداشتند، آنها را بسنده بود. این حدیث را محدثان و علمای بزرگ اهل تسنن چون مسلم بن حجاج نیشابوری در صحیح، محمد بن عیسی ترمذی در صحیح، ابن حنبل در مسند، ثعلبی نیشابوری در الکشف و البیان، ابن مغزالی شافعی در مناقب و سمعانی در فضائل الصحابه و ... روایت کرده اند.

### ج - حدیث باب مدینه علم

جامع ترین و پرمعنی ترین توصیف رسول خدا(ص) از دانش امیرالمؤمنین(ع) و پیوستگی آن حضرت به دانش بیکران پیامبری، آن است که خود را شهر علم و حضرت علی(ع) را دروازه آن نامیده است. در حدیثی فرموده است: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب» (من شهر علم هستم و علی دروازه آن است. هر که علم می خواهد باید از این دروازه وارد شود.)

### د - حدیث مؤاخات(برادری)

پس از مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه، پیامبر اکرم(ص) به منظور ایجاد مودت و همبستگی میان مهاجران و انصار، میان تک تک آنان پیمان برادری بست. از امیرالمؤمنین(ع) چنین روایت شده است: «رسول الله(ص) بین مردم پیوند برادری بست و مرا واگذاشت. گفتم ای فرستاده خدا! یاران خود را با هم برادر کردی و مرا واگذاشتی! فرمود: برای چه تو را واگذاشتم؟ تو را برای خود نگه داشتم. تو برادر منی و من برادر توام. سپس فرمود: اگر کسی در این امر با تو مواجه کند به او بگو: من بنده خدا و برادر رسول خدایم. هیچ کس بعد از تو با من دعوی برادری نکند مگر اینکه دروغگو باشد.» احادیث معتبر و مشهور دیگری از پیامبر اکرم(ص) در بیان شأن و فضیلت امیرمؤمنان(ع) وارد شده است که از شرح آنها خودداری می شود و تنها به عناوین شان اشاره می گردد: حدیث کساء، حدیث سفینه، حدیث تشبیه، حدیث رایت(حدیث خیر)، حدیث سبق اسلام، حدیث سبق صلوه، حدیث علی اسدالله و سیفه، حدیث علی مع الحق، حدیث علی منی و أنا من علی، حدیث لیله المبیت(حدیث فراش)، حدیث قتال علی التأویل و التنزیل، حدیث کسر اصنام(حدیث بت شکنی)، حدیث نور و حدیث وصایت.



وجه دیگری از فضائل و کرامات آن حضرت، پیشگویی از اخبار غیبی در آینده (مغیبات) بود که همه محقق شد و از جمله می توان به این موارد اشاره کرد: کشته شدن همگی خوارج به استثنای ۱۰ نفر و شهادت ۱۰ نفر از یاران خود در جنگ نهروان، حکومت حجاج بن یوسف ثقفی، واقعه کربلا، شهادت میثم تمار، شهادت کمیل نخعی، شهادت قنبر و شهادت خویش.<sup>۲</sup>

## درس یازدهم : استدلال بر امامت و ولایت امام علی علیه السلام

### سه آیه درباره ولایت و امامت امام علی (علیه السلام)

#### اولین آیه: آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ  
سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. (۵۵)  
شأن نزول آیه

ابو ذر می گوید: روزی همراه، با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نماز ظهر را به جماعت اقامه کردیم، پس (از نماز) نیازمندی تقاضای کمک کرد، (بر اثر فقری که بر غالب مسلمانان حاکم بود) کسی از حاضران کمکی به او نکرد، سائل (که از دریافت کمک ناامید شده بود) دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تو شاهد باش که در مسجد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تقاضای کمک کردم، کسی کمک نکرد! علی علیه السلام که در آن هنگام مشغول نماز (مستحبی و نافله) بود با انگشت خُنْصِرِ (یعنی انگشت کوچک دست راستش، که انگشتی در آن بود) به آن نیازمند اشاره کرد! شخص نیازمند به سوی آن حضرت آمد و انگشت آن حضرت را در آورد و رفت. این صحنه در حضور و جلوی چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله (و اصحاب) انجام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله (پس از دیدن این صحنه زیبا و با شکوه، دست به آسمان بلند کرد و) فرمود: پروردگارا! برادرم موسی بن عمران از تو تقاضایی کرد و گفت:

«پروردگارا! سینه ام را گشاده کن، و کارم را برایم آسان گردان؛ و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند. و وزیري از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را. با او پشتم را محکم گردان؛ و او را در کارم شریک ساز»، و تو (در مقام اجابت خواسته اش) در قرآن چنین فرمودی: «بزودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم؛ و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم.»

پروردگارا! من محمد، پیامبر و برگزیده تو هستم، سینه ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان؛ و وزیري از خاندانم؛ یعنی علی، برایم قرار ده، با او پشتم را محکم گردان.»

ابو ذر در ادامه این حدیث بسیار زیبا می گوید: «به خدا قسم هنوز سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ...» را بر پیامبر خواند!

#### آیا معنای «ولی» مبهم و گم است؟

ولی دارای معانی متفاوتی است که مانند بسیاری از الفاظ مشترک دیگر، این اشتراک باعث گم شدن معنایش نمی شود. بلکه افراد با استفاده از قرائن به معنی آن پی می برند.

مانند لفظ شیر در جملات زیر:

شیر در جنگل زندگی می کند.

شیر غذای مفیدی است.

با استشمام بوی گاز، ابتدا شیرها را ببندید.

هیچ انسان عاقلی، به خاطر معانی متعدد داشتن واژه شیر، این جملات را نادیده نمی گیرد و آنها را نیز بر اساس نظر خود معنا نمی کند. بلکه بر اساس قرینه های خارجی معنای اصلی را درک می کند.

معنای ولی در کتاب لغت

ابتدا به تبیین و تشریح کلمه «ولی» می پردازیم؛ زیرا اگر معنای این کلمه روشن شود، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. برخی از مفسران اهل سنت برای دور کردن مخاطبان خویش از معنای روشن آیه، معانی بسیاری، بیست و هفت معنی برای ولی ذکر کرده اند، تا بگویند این کلمه لفظ مشترکی است که معانی مختلفی دارد و ما نمی دانیم که خداوند در این آیه کدامیک از آن معانی را اراده کرده است؛ پس آیه مبهم است و دلالت بر چیزی ندارد!

ولی هنگامی که به لغت مراجعه می کنیم و کلمات و نظریات متخصصین لغت را مطالعه می نماییم، مشاهده می کنیم که آنان بیش از دو تا سه معنی برای کلمه «ولی» نگفته اند. بنابراین بقیه معانی، همه، به این سه معنی بازمی گردد! این سه معنی عبارتند از:

۱- «ولی» به معنای یار و یاور و ناصر، و ولایت به معنای نصرت و یاری است.

۲- معنی دومی که برای ولایت گفته اند، سرپرستی و صاحب اختیار بودن است، بنابراین «ولی» سرپرست و صاحب اختیار است.

۳- سومین معنای «ولی» دوست و رفیق است؛ هر چند انسان را نصرت و یاری نکند. ولی از آنجا که دوست در عالم رفاقت، غالباً به یاری انسان می شتابد، معنای سوم نیز به معنای اوّل بازمی گردد؛ بنابراین، از نظر دانشمندان لغت «ولی» دارای دو معنای عمده است و بقیه معانی به این دو بازمی گردد.

### آیا در قرآن کریم، کلمه ی ولی به معنای سرپرست به کار رفته است؟

الف: در آیه شریفه ۳۳ سوره اسراء، که در مورد ولایت تشریحی بحث می کند، آمده است:

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا

و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیّ و سرپرست او سلطه و حقّ قصاص قرار دادیم.

ب: در طولانی ترین آیه قرآن مجید، آیه ۲۸۲ سوره بقره، که در مورد نوشتن سند به هنگام پرداخت قرض الحسنه می باشد، می خوانیم:

فَأِيْمَلُّوْا بِالْعَدْلِ

(اگر کسی که حق بر ذمه اوست توانایی بر املا کردن ندارد) باید ولیّ و سرپرست او (به جای او) با رعایت عدالت، املا کند.

در این آیه شریفه نیز ولیّ به معنای سرپرست و صاحب اختیار آمده است.

**«ولی» به معنای حاکم در کلام خلیفه دوم**

«قال عمر لعليّ عليه السّلام و العباس (رض) فقال أبو بكر، قال: رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم ما نورث ما تركناه صدقة، فرأيتماه كاذبا أثما غادرا خائنا، ثم توفي أبو بكر، قلت أنا ولي رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم و ولي أبي بكر، فرأيتماني كاذبا أثما غادرا خائنا»

عمر به امام علی علیه السلام و عباس گفت:

«ابوبکر گفت: پیامبر فرموده ما ارث نمی گذاریم و ارث ما صدقه است، پس او را دروغگو خواندید، ابوبکر از دنیا رفت، من گفتم: من ولی رسول الله و ولی ابوبکر هستم، پس مرا نیز دروغگو و گنهکار و خیانتکار خواندید...».

اینجا به صراحت عمر خود را جانشین و حاکم از سوی پیامبر و ابوبکر معرفی می کند.

### دومین آیه: آیه ۶۷ سوره مائده (آیه تبلیغ)

يا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ  
ترجمه:

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند. (۶۷)

تفسیر آیه با قطع نظر از شواهد دیگر

با تفکر و تعمق و دقت در خود آیه شریفه و بدون کمک گرفتن از امور دیگر، پاسخ همه سؤالات روشن می شود؛ به شرط آن که منصفانه و به دور از تعصب قضاوت کنیم؛

اولاً: آیه مورد بحث، آیه ۶۷ سوره مائده است و می دانیم که سوره مائده آخرین سوره، یا از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گشته است. یعنی این آیه در سال دهم بعثت، در آخرین سال زندگی آن حضرت، و بعد از ۲۳ سال تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است.

سؤال: راستی، چه چیزی پس از ۲۳ سال و تا آخرین سالهای عمر پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز بطور رسمی مطرح نشده است؟

آیا این مسأله مهم مربوط به نماز است، در حالی که مسلمانان بیش از ۲۰ سال نماز می خواندند؟

آیا مربوط به روزه است، در حالی که روزه پس از هجرت واجب شد و قریب به ۱۳ سال از تشریح آن می گذشت؟

آیا مربوط به تشریح جهاد است، جهادی که از سال دوم هجرت شروع شده بود؟

آیا در رابطه با حج است؟

پاسخ: نه! انصاف این است که مربوط به هیچ یک از امور مذکور نیست! باید دید که بعد از ۲۳ سال زحمت طاقتفرسای پیامبر صلی الله علیه و آله، چه مسأله مهمی بر زمین مانده است؟

ثانیاً: از آیه شریفه استفاده می شود که این مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله بقدری مهم و خطیر است که همسنگ و همطرز نبوت است. احتمالاتی که برخی از دانشمندان داده‌اند و اموری که در سطور قبل به آن اشاره شد هر چند مهم هستند، ولی هیچ یک از آنها همطرز رسالت و نبوت نمی باشد. باید بیندیشیم که چه امر مهمی که همطرز رسالت است پس از ۲۳ سال هنوز انجام نشده است؟

ثالثاً: ویژگی دیگر این مأموریت این است که عده‌ای با آن مخالفت می کنند و مخالفت آنها بقدری جدی و شدید است که حاضرند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را از سر راه بردارند، مسلمانان که با نماز و روزه و حج و جهاد و مانند آن مخالفتی

نداشته‌اند، پس حتماً این مأموریت، يك مسأله سیاسی است و عده‌ای برای مخالفت با آن، كمر به مبارزه بسته‌اند و حاضرند در این راه در مقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم بایستند!

و هنگامی که تمام این جهات را نظر می‌گیریم و بیطرفانه و منصفانه بر روی آن مطالعه می‌کنیم و بدور از تعصب و لجاجت به قضاوت می‌نشینیم، به چیزی جز مسأله ولایت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که در غدیر خم به صورت رسمی مطرح شد نمی‌رسیم.

آری! چیزی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا سال آخر عمر شریفش بطور رسمی آن را بیان نکرده بود و همسنگ و همطرز رسالت و نبوت خاتم الانبیاء بود و عده زیادی برای مبارزه با آن هم قسم شده بودند و خداوند برای حفظ پیامبر صلی الله علیه و آله در اجرای این مأموریت تضمین داده بود، همان مسأله مهم و سرنوشت‌ساز جانشینی پیامبر بود، زیرا هر چند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسأله ولایت علی علیه السلام را بارها مطرح کرده بود ولی به صورت رسمی و در حضور مسلمانان سراسر جهان بیان نشده بود؛ بدین جهت، این مأموریت عظیم و بزرگ به هنگام بازگشت آن حضرت از حجة الوداع و در صحرای غدیر خم به بهترین شکلی انجام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با معرفی علی علیه السلام به عنوان جانشین خویش، رسالتش را تکمیل کرد.

### تفسیر آیه در کلام دانشمندان اهل سنت

در بین مفسران اهل سنت نیز عده‌ای روایت مربوط به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام را نقل کرده‌اند، که می‌توان به آقای «سیوطی» در «الدر المنثور، جلد دوم، صفحه ۲۹۸» و «أبو الحسن واحدی نیشابوری» در «اسباب النزول، صفحه ۱۵۰» و «شیخ محمد عبده» در «المنار، جلد ششم، صفحه ۱۲۰» و «فخر رازی» در «تفسیر کبیر» و سایر تفاسیر اشاره کرد.

### کلام فخر رازی

در اینجا برای نمونه فقط قسمتی از کلام فخر رازی را نقل می‌کنیم:

او، که در میان مفسران اهل سنت بی‌نظیر است و تفسیر قوی و مشروحی دارد و انسانی هوشیار و عالم است (هر چند تعصب زیادی نیز دارد، که بعضاً حجابی برای او شده است) پس از بیان نه احتمال در تفسیر آیه فوق، ولایت امیر مؤمنان را به عنوان دهمین احتمال مطرح می‌سازد.

متن کلام فخر رازی به شرح زیر است:

نزلت الآية فی فضل علي بن أبي طالب و لما نزلت هذه الآية أخذ بيده و قال: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، فلقبه عمر فقال: هنيئاً لك يا بن أبي طالب! أصبحت مولاي و مولی كل مؤمن و مؤمنة ... این آیه در مورد علی بن ابی طالب نازل شده است. هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت (و بلند کرد) و فرمود: «هر کس که من مولای او هستم پس این علی هم مولی و رهبر اوست. پروردگارا! کسانی که ولایت علی را پذیرفته‌اند دوست بدار و کسانی که با او به دشمنی برخاسته‌اند، دشمن بدار!» سپس عمر با علی علیه السلام ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: «ای فرزند ابو طالب! این فضیلت و مقام بر تو مبارک باشد. تو از امروز مولا و رهبر من و همه مردان و زنان مسلمان شدی!»

### شواهد التنزیل حاکم حسکانی

طبق آنچه در کتاب «شواهد التنزیل» آمده، «زیاد بن منذر» می‌گوید:

نزد امام باقر علیه السلام بودم، در حالی که آن حضرت در گفتگو با مردم بود، شخصی از اهل بصره به نام «عثمان الاعشی» برخاست و گفت: ای فرزند رسول خدا، جانم به فدایت باد! از حسن بصری پرسیدم که این آیه در مورد چه کسی

نازل شده است؟ گفت: در مورد مردی، ولی نام او را مشخص نکرد! (لطفاً شما بفهمائید که این آیه در مورد چه کسی نازل شده است؟)

امام فرمود: اگر می‌خواست بگویند می‌توانست نام او را بیان کند، ولی از ترس نگفته است (چون در دوران سیاه بنی امیه بوده، علاوه بر این که میانه خوبی هم با امیر مؤمنان علی علیه السلام نداشته است) اما من می‌گویم ... هنگامی که خداوند جان پیامبر صلی الله علیه و آله را در مقابل خطرات احتمالی تضمین کرد، آن حضرت دست علی بن ابی طالب علیه السلام را بلند کرد و او را به عنوان جانشین و خلیفه خود معرفی نمود.

نکته جالب توجه این که، حاکم حسکانی نویسنده کتاب شواهد التنزیل که روایت فوق را نقل کرده از اهل سنت است، همانگونه که علمای دیگر اهل سنت نیز روایت فوق را نقل کرده‌اند.

\*\*\* نتیجه این که، احادیث و روایات و گفتار صحابه و روات و نظریات مفسرین و دانشمندان، همگی دلالت دارد که آیه تبلیغ پیرامون ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شده است.

### سومین آیه: آیه ۳ سوره مائده (آیه اکمال دین)

..... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاثْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.....

ترجمه:

امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنا بر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. خصوصیات این روز...

روزی که آیه شریفه از آن سخن می‌گوید، دارای چهار ویژگی مهم است.

اول: روزی است که باعث یأس و ناامیدی کفار شد.

دوم: روزی است که مایه اکمال دین گشت.

سوم: روزی است که خداوند نعمتش را بر مسلمانان تمام کرد.

چهارم: روزی است که خداوند راضی شد که دین اسلام، دین همیشگی مردم باشد.

راستی این روز بزرگ، با این ویژگیهای چهارگانه، چه روزی بوده است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال، دو مسیر را می‌توان طی کرد:

راه اول: تأمل و تعمق در مضمون خود آیه و مطالعه و تفکر پیرامون آن، با قطع نظر از روایات و احادیثی که در ذیل آن وارد شده و با صرف نظر از آراء و افکار مفسران و محدثان و دانشمندان و سایر نشانه‌ها و قرائن خارجی می‌باشد.

راه دوم: تفسیر آیه با استفاده از روایات شأن نزول و آراء و نظریات مفسران می‌باشد.

### غدیر در کلام سیوطی

سیوطی، که از علمای اهل سنت است و در کشور مصر می‌زیسته و در نزد اهل سنت انسان معتبری محسوب می‌شود، روایت زیر را در کتاب خویش نقل کرده است:

«ابو سعید خدری می‌گوید:

لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَنادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ، هَبَطَ جِبْرَائِيلُ بِهِذِهِ الْآيَةِ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب کرد و ولایت او را بر مؤمنین اعلام کرد، جبرئیل نازل شد و آیه فوق را برای پیامبر آورد. «۱» طبق این روایت، که از خود اهل سنت نقل شده، منظور از «الیوم» روز غدیر خم است و آیه مورد بحث در مورد ولایت و خلافت امیر مؤمنان علیه السلام نازل شده است.

### غدیر در کلام خطیب بغدادی

خطیب بغدادی، یکی دیگر از علمای اهل سنت که در قرن پنجم می زیسته است، در کتاب خویش، تاریخ بغداد، به نقل از ابو هریره، چنین روایت می کند:

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانَ عَشْرَةَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا» وَ هُوَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: «أَلَسْتُ وَ لِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ،

فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» فَقَالَ عُمَرُ بْنُ خَطَّابٍ: بَخَّ بَخَّ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَايَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که روز هجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد، معادل روزه شصت ماه برایش ثواب می نویسد» و این روز مصادف با روز غدیر خم است که پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب را گرفت و سپس از مردم پرسید: «آیا من پیامبر، نسبت به مؤمنان و مسلمانان از خودشان اولی نیستم؟» همه در جواب گفتند: بله، پیامبر صلی الله علیه و آله (پس از این که این اقرار را از مسلمانان گرفت) فرمود: «هر که من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست.» عمر بن خطاب (برای عرض تبریک خدمت امیر المؤمنین علیه السلام رسید و) گفت: ای فرزند ابو طالب! این فضیلت و مقام بر تو مبارک باشد، تو مولی و سرپرست من و تمام مسلمانان گشتی، سپس خداوند آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» را نازل کرد.

### سخن عجیب آلوسی

علی رغم قرائن آشکاری که در آیه شریفه وجود دارد (که شرح آن گذشت) و روایات متعددی که از شیعه و اهل سنت نقل شده است، برخی بر اثر تعصب و لجاجت چشم بر روی همه اینها بسته و آیه شریفه را طبق میل خویش تفسیر کرده و از بحث منطقی خارج شده اند. از جمله این دانشمندان، آلوسی، مفسر معروف اهل سنت و نویسنده تفسیر مشروح و بزرگ روح المعانی است. او در شرح و تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده، وقتی به جریان غدیر می رسد، می گوید:

ابن جریر طبری، از مورخان معروف اهل سنت، دو جلد کتاب پیرامون احادیث غدیر نوشته است، سپس (برای این که به راحتی از کنار این کتاب رد شود، بدون بحث و بررسی پیرامون روایات این کتاب) می گوید: این دو کتاب احادیث صحیح و ضعیف را با هم مخلوط کرده است! سپس از ابن عساکر نقل می کند که وی احادیث فراوانی در مورد خطبه و حادثه غدیر نقل کرده است، ولی ما تنها احادیثی را از او می پذیریم که از خلافت علی سخن نگوید!

سه روایت در استدلال بر امامت و ولایت امام علی (علیه السلام)

روایت اول

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

علیّ ولیّ کل مؤمن بعدی، و أنه سید المسلمین و إمام المتقین

علی (علیه السلام) سرپرست هر مؤمنی بعد از من و او آقای مسلمانان و امام باتقویان است.

منبع: سنن الترمذی: ۵/ ۲۹۷ ح ۳۷۹۸، و مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۲۴.

### روایت دوم: حدیث منزلت

وقتی که رسول خدا مدینه را برای جنگ تبوک ترک کرد و علی را به جانشینی خود گمارد، علی (ع) با چشم گریان به حضرت عرض کرد: یا رسول الله آیا من همراه شما نیایم و در میان زنان و کودکان باقی بمانم؟ پیامبر فرمود: أما ترضی أن تكون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لیس بعدی نبی، انه لا ینبغی أن اذهب الا و انت خلیفتی.

یعنی آیا راضی نیستی که تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی باشی؟

با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست. سزاوار نیست که من بروم مگر اینکه تو خلیفه من باشی.<sup>۳</sup>

### روایت سوم: حدیث غدیر

قال ابن حجر في صواعقه، الشبهة الحادية عشرة من شبهاته: إن الذهبي - مع تعنته - قد صحح عدة طرق من طرق حدیث الغدير، و

أنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ: أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ - يَكْررها ثلاثاً - فَأَجابوه ثلاثاً: بلى، فقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ، وَانصِرْ مِنْ نَصْرِهِ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَ أَحَبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ ابْغَضْ مَنْ ابْغَضَهُ، وَ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ

ترجمه:

پیامبر در غدیر خم سه بار فرمود: آیا من پیامبر سرپرست شما و اولی به شما نسبت به خودتان نیستم؟ سه بار جواب داد: شد: آری!

پیامبر فرمودند: هر کس من مولای او بوده ام، علی مولای اوست. خدایا دوست بدار آن کسانی را که علی را دوست بدارند، و دشمن بدار دشمنانش را. یاری کن یاورش را و خوار کن کسی که علی را خوار کند. دوست بدار دوستش را و عیبانی باش از کسی که بغض علی را دارد. و حق را با او بگردان هر جا که باشد....

<sup>۳</sup> این حدیث را می‌توانند در طبقات ابن سعد ج ۲/ ۲ ق ۲/ ص ۲ و کنز العمال ج ۱/ ص ۱۶۵ و سنن بیهقی ج ۱/ ص ۱۱۳ و صحیح ترمذی ج ۳/ ص ۲۰۰ و سیره حلبی ج ۲/ ص ۳۰۸ و ... که از منابع مورد توجه دانشمندان اهل سنت است، با الفاظ متفاوت بیابید. ج ۳ مستدرک ۱۳۳. البانی فرموده این روایت صحیح است.

## درس دوازدهم: امام مهدی علیه السلام

اهمیت شناخت امام زمان علیه السلام

عَنِ النَّبِيِّ - ص - قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً  
پیامبر اکرم - ص - فرمود: کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، در واقع به مرگ جاهلیت  
مرده است.  
وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

### کلیات شناخت امام

امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری(ع) در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا چشم به دنیا گشود. نام و کنیه آن حضرت همانند نام و کنیه پیامبر (ص) است و از لقب های ایشان می توان به حجت، مهدی، قائم و ولی عصر اشاره نمود. حضرت ولی عصر(عج) دو غیبت داشت: غیبت کبری، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ هجری، یعنی با شهادت امام یازدهم آغاز شد. البته از آنجا که حضرت در دوران کودکی و پیش از امامت نیز از دیده ها پنهان بودند، برخی آغاز غیبت را هنگام ولادت ایشان یعنی سال ۲۵۵ هجری می دانند که پایان آن نیز سال ۳۲۹ هجری است. غیبت صغرا: شیعیان از طریق چهار نایب خاص با حضرت ارتباط داشتند:

۱) عثمان بن سعید از اصحاب امام هادی و عسکری(ع)

۲) محمد بن عثمان

۳) حسین بن نوح نوبختی از عالمان برجسته شیعه

۴) علی بن محمد سمري: پیش از مرگ نایب چهارم، حضرت ولی عصر (عج) ضمن قدر دانی از نایبان خاص خود آغاز غیبت کبری را اعلام نمود که این دوره از غیبت تا کنون نیز ادامه دارد. در دوران غیبت کبری شیعیان برای امور شرعی و حکومتی خود باید به نایبان عام حضرت، یعنی فقیهان آگاه و عادل مراجعه نمایند.

### برخی روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام)

۱. ابوداود ترمذی در صحیح خود از عبدالله از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند که فرمودند: "لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث رجلاً منی او من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی... یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً."

هرگاه به پایان دنیا فقط یک روز بماند، خداوند این روز را به قدری طولانی می کند، تا اینکه در این روز فردی که از فرزندان من بوده و نامش مانند من است را برمی انگیزد و زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد.

۲. احمد در مسند خود از "ابوسعید خدری" نقل می کند: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): "یملاً الارض ظلماً و جوراً ثم یرجرج رجل من عترتی یملک سبعاً اوتسعاً فی ملاء الارض قسطاً و عدلاً."

هنگامی فرا می رسد که زمین از ظلم و جور پر شود و در آن موقع مردی از خاندان من قیام می کند، هفت یا نه سال در روی زمین حکومت می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند.



۳. مسلم، ابو داوود، ابن ماجه، طبرانی که از بزرگان اهل سنت هستند از ام سلمه نقل کرده‌اند که گوید: «رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "المهدی من عترتی من ولد فاطمه." یعنی مهدی از خاندان من و فرزندان فاطمه است.

### حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

بر اساس ده ها آیه از قرآن کریم موضوع ظهور حضرت مهدی (عج) قابل استناد است. تمرکز غالب این آیات بر بشارت به بندگان صالح و مستضعف برای بازستادن حق خود و رسیدن به قدرت و ایجاد يك حکومت واحد جهانی مبتنی بر حق و عدل و غلبه اسلام بر تمامی مکاتب و ادیان است. قرآن کریم از يك سو بیان می کند این بشارت در بعضی کتب آسمانی دیگر هم آمده است: «و همانا در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد». («وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، انبیاء، آیه ۱۰۵)

از سوي دیگر این بشارت را به اراده خداوند استناد می دهد: «و خواستیم بر مستضعفان روي زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم» (قصص، آیه ۵)

این آیات بشارت به ظهور می دهند که در تفسیر آنها روایات زیادی وجود دارد.

در آیه ای دیگر خداوند حکومت و جانشینی مومنان و صالحان را به عنوان «وعده ی الهی» بر بندگان با ایمان خود بیان می کند و امنیت و آرامش را مژده می دهد: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشین (خود) قرار دهد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به امنیت مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و ...». (نور، آیه ۵۵)

### بنابراین به سه آیه می توان اشاره کرد:

#### آیه اول

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

«و همانا در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد»، انبیاء / ۱۰۵

#### آیه دوم

وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

«و خواستیم بر مستضعفان روي زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم» (قصص / ۵)

#### آیه سوم

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

ترجمه:

۵۵- خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده یا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند.

## وظائف شیعیان در عصر غیبت

- ۱- دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و خود تا به معرفت حضرتش نائل شویم. ائمه هدی علیهم السلام نیز همواره بر این مهم تکیه داشته اند. امام صادق (علیه السلام) دعایی به "زراره" تعلیم کرده و می فرماید: «... اگر زمان غیبت را درک کردی چنین دعا کن: اللهم عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک. اللهم عرفنی رسولک فإنک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجکتک. اللهم عرفنی حجکتک فإنک إن لم تعرفنی حجکتک ضللت عن دینی».
- ۲- شناخت صفات و سیره امام علیه السلام: بدیهی است که یک عاشق دلباخته امام و یک منتظر حقیقی باید بداند که محبوبش از چه صفاتی برخوردار بوده، و چه سیره و روشی را در زندگی و سایر شؤونات آن دارد.
- ۳- رعایت ادب در همه موارد: امامی که واجب الطاعه و حجت خدا بر تمامی اهل زمین است، نامش محترم و یادش بسیار گرامی است. او پیشوای همه و چشم بینای خدا در بین مخلوقات اوست. روزی اهل زمین به یمن وجود اوست و هر کس که به مرتبه ای از مراتب کمال می رسد از پرتو عنایات حضرت حق است که از مسیر امامت به ما رسیده است.
- ۴- عشق و علاقه نسبت به حضرت.
- ۵- علاقه مند کردن دیگران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: طبیعی است که هر کس به چیزی علاقمند باشد درصدد تبلیغ و ترویج آن برآمده و آنرا به دیگران معرفی خواهد کرد، چه رسد به اینکه وجود مقدس خاتم الاوصیا عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.
- ۶- انتظار فرج: امام صادق علیه السلام فرمودند: «بخشی از ویژگیهای ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و خیرخواهی ... و صبر در انتظار فرج است.»  
در بسیاری از روایات، پرفضیلت ترین اعمال، انتظار فرج دانسته شده است.  
در بسیاری از احادیث در باب انتظار فرج بیان شده که هر گاه یکی از منتظران حضرت به رحمت الهی رفت، چنانست که در میان سپاه امام و یا در میان چادر (خیمه) حضرت به شهادت برسد.  
در بعضی از روایات تعبیر شده که چنین شخصی مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر کفر جهاد کرده باشد.
- ۷- اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت.
- ۸- ذکر فضائل و مناقب آن حضرت، و شرکت در مجالس امام شناسی.
- ۹- صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ۱۰- بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام: اعمالی که به نیابت از امام زمان علیه السلام بجا آورده می شود در واقع هدیه ای از جانب عاشقان و شیفتگان به ایشان است.
- ۱۱- استغاثه به وجود مقدس امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و کمک خواستن از ایشان در امور زندگی.
- ۱۲- تجدید بیعت با امام علیه السلام: براساس پاره ای از روایات، تجدید بیعت بعد از هر نماز واجب و یا در هر جمعه مستحب است.
- ۱۳- اجتناب از محارم: کسی که منتظر واقعی است، باید از آنچه که امام زمانش کراهت و تنفر دارد، اجتناب نموده و هر عملی که در تقرب او موثر است را به خاطر رضای محبوب و ارتباط روحی با او انجام دهد.  
مرحوم شیخ طوسی متوفی ۴۶۰ هـ ق در "تجرید الاعتقاد" می نویسد: «وجوده لطف و عدمه منا.» یعنی وجود حضرت لطف و عنایت بر ماست و غیبت ایشان به خاطر اعمال و رفتار بد ماست.

"گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است      گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است"  
 "گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت      گفتا نشان چه پرسی آن کوی، بی نشان است"  
 علی علیه السلام فرمودند: «زمین خالی از حجت خدا نیست، لکن خداوند متعال، خلقش را از اینکه حجت را بشناسند نابینا و محروم می نماید و این به خاطر ظلمی است که بر خودشان روا داشتند.»

(بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توقیعی چنین می فرمایند: «فما یحبسنا عنهم إلا ما یتصل بنا مما نکرهه و لاثوره منهم» یعنی محبوس نکرده ما را از دوستان، مگر خبرهای ناگواری که همواره از ناحیه آنان به ما می رسد که ناخوشایند است، در حالیکه ما آن کارها را از ایشان نخواستیم. (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲)

۱۴ - دوستی با صالحان: دوستی با دوستان حضرت باعث تقرب و جلب خشنودی ایشان است. همچنین ادخال سرور مومنین و محبین اهل بیت علیهم السلام و همچنین رفع حوائج آنان نیز از وظایف منتظران عصر ظهور شمرده نشده؛ چرا که آن حضرت همانند اجداد طاهرینش باب الحوائج هستند.

قرآن کریم در وصف یاران حضرت ختمی مرتبت می فرماید: «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» یعنی محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و کسانی که با او هستند بر علیه کفار بسیار خشن، ولی با یکدیگر بسیار مهربانند.

و همچنین امر خدای حکیم که می فرماید: «کونوا مع الصادقین» یعنی همواره با افراد راستگو هم نشین باشید.

۱۵ - براءت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام:

امام هادی علیه السلام در زیارت شریفه جامعه می فرمایند: «برئت الی الله عزوجل من اعدائکم و من الجبت و الطاغوت و الشیاطین و حزبهم الظالمین» یعنی براءتمی جویم به درگاه خدای عز و جل از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

### سیمای جامعه انسانی در عصر ظهور

- ۱) تکامل و اعتلای عقلانیت
- ۲) بسط و کمال علم و معرفت و حکمت
- ۳) تحقق وحدت و صمیمیت
- ۴) توسعه دیانت و معنویت
- ۵) تکامل اخلاق
- ۶) زوال تبعیض و گسترش رفاه عمومی
- ۷) تحقق آزادی
- ۸) گسترش صلح جهانی
- ۹) تحقق عدالت فراگیر جهانی
- ۱۰) وفور نعمت و باروری و بازدهی منابع
- ۱۱) گسترش امنیت
- ۱۲) ارتقای سطح معیشت و ریشه کن شدن فقر
- ۱۳) توسعه آبادانی

۱۴) ارتقای صنعت و فناوری

۱۵) صیانت و سلامت محیط زیست

۱۶) تحقق رضایتمندی مردم

۱۷) افول دولت های باطل

الحمد لله رب العالمین / پایان